



Language contact in Sanandaj

Khan, Geoffrey and Mohammadirad, Masoud. 2024. *Language Contact in Sanandaj: A Study of the Impact of Iranian on Neo-Aramaic*, Berlin, Boston: De Gruyter Mouton, 2024. <https://doi.org/10.1515/9783111209180>

Keivan Mohammadizad¹

Abstract

When speakers of two or more languages interact, due to geographical, political, cultural, or commercial circumstances, they, inevitably influencing one another. This interaction leads to a phenomenon known as language contact. Such contact occurs when speakers of different languages interact very closely. Language contact can happen at linguistic borders or as a result of migration, where one language acts as the underlying layer, leading to convergence, borrowing, and reinterpretation.

This book examines the results of language contact between the Kurdish dialects of Sanandaj, New Arami, Persian, Gorani, and Suleymaniyya Kurdish. This book which consists of 12 chapters, each addressing the phonological, morphological, syntactic, and pragmatic aspects of these languages, has studied the languages meticulously.

Keyword: Language contact, JSNENA, loan words, Borrowing, Convergence

1. PhD student- Bu Ali Sina University- Hamedan- Iran.



تماس زبانی در سنندج

کیوان محمدی‌زاد^۱

مقاله پژوهشی

چکیده

گویشوران دو یا چند زبان یا گونه‌های مختلف زبانی ممکن است به جبر جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و یا تجاری با یکدیگر ارتباط و تعامل داشته باشند و لاجرم بر یکدیگر تأثیر بگذارند که در نتیجه این ارتباط پدیده‌ای به نام تماس زبانی رخ می‌دهد. زمانی این پدیده اتفاق می‌افتد که گویشوران زبان‌های مختلف از نزدیک و با هم تعامل داشته باشند و این که زبان آنها از یکدیگر تأثیرپذیری داشته باشند. در مرزهای زبانی و یا در نتیجه مهاجرت، تماس زبانی می‌تواند بین لایه‌های زبانی توسط یکی از زبان‌ها که به عنوان لایه زیرین عمل می‌کند، رخ دهد و می‌تواند در همگرایی زبان، وام‌گیری و بازخوانی خود را نشان بدهد. این کتاب ۱۲ فصلی، نتیجه مطالعه دقیق تماس زبانی بین زبان‌های کردی سنندج، نوآرامی، فارسی، گورانی و کردی سلیمانیه در حوزه‌های واجی، صرفی، نحوی و کاربردی این زبان‌ها است.

کلیدواژه‌ها: تماس زبانی، زبان نوآرامی، کلمات وام گرفته شده، وام گرفتن، همگرایی.

مقدمه

هنگامی که گویشوران دو یا چند زبان یا گونه‌های مختلف زبانی با یکدیگر ارتباط و تعامل داشته باشند بر یکدیگر تأثیر گذاشته و پدیدهٔ تماس زبانی رخ می‌دهد. زمانی این پدیده اتفاق می‌افتد که گویشوران زبان‌های مختلف از نزدیک و با هم تعامل داشته باشند و بسیار هم امری طبیعی است که زبان آنها از یکدیگر تأثیرپذیری داشته باشند. در مرزهای زبانی و یا در نتیجه مهاجرت، تماس زبانی می‌تواند بین لایه‌های زبانی توسط یکی از زبان‌ها که به عنوان لایهٔ زیرین عمل می‌کند، رخ دهد و می‌تواند در همگرایی زبان، وام‌گیری و بازخوانی خود را نشان بدهد. ما حاصل این تماس‌ها عموماً شامل زبان‌های آمیخته (pidgins)، زبان‌های آمیختهٔ مادری (creoles)، و رمزگردانی (code-switching) است. البته در بسیاری از موارد هم، تماس زبانی بین گویندگان رخ می‌دهد، اما ممکن است تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر زبان همدیگر نداشته باشند مگر در موارد معدودی مانند وام‌گیری واژه‌ها. فراموش نکنیم که نتایج بسیاری از مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی و کاربردشناسی و غیره نیز حاصل مطالعهٔ همین تماس زبان هستند.

به تازگی جفری خان و مسعود محمدی‌راد کتابی با عنوان *تماس زبانی در سنج‌منتشر کرده‌اند*. جفری خان زبان‌شناس بریتانیایی دانشگاه کمبریج است که مطالعات ارزشمندی بر زبان‌های آرامی در ایران و عراق انجام داده است و مسعود محمدی‌راد دکترای زبان‌شناسی از سوربون و دانشجوی فوق دکتری در دانشگاه کمبریج است که مشغول مطالعه بر زبان‌های ایرانی، به‌ویژه شاخهٔ کردی است.

این کتاب ۱۲ فصلی، یک کتاب تقریباً کم نظیر برای مطالعات تماس‌های زبانی و مطالعات زبان شناختی در زبان‌های کردی سنجی، گورانی و نوآرامی است که بسیار موشکافانه و با وسواس و دقت به لایه‌های زبانی مورد نظر پرداخته است. سنج مرکز استان کردستان و در شمال غربی کشور ایران است که از اوایل قرن هفدهم محل زندگی گویش‌وران یهودی آرامی زبان نیز بوده است. این کتاب مطالعه‌ای دربارهٔ تأثیر زبان‌های ایرانی (گورانی، کردی، و تا حدی فارسی) بر گویش سنجی زبان نوآرامی این منطقه است. به گفتهٔ نویسندگان، این کتاب ادامهٔ کتاب قبلی جفری خان با عنوان *گویش یهودی نوآرامی سنج*^۱ است که در بحبوحهٔ همه‌گیری کرونا نوشته شده است. فصول کتاب یک مطالعهٔ جامع از واج‌شناسی، صرف و نحو از زبان‌های نوآرامی، گورانی و کردی سنجی به دست داده است.

معرفی کتاب

همان‌طور که در بالا گفته شد این کتاب شامل ۱۲ فصل است. در فصل اول کتاب آمده است که سنج تا قبل از قرن ۱۷ روستای کوچکی بوده که سلیمان خان اردلان قلعه‌ای را در آن به نام سنج دژ درست

1. Khan, Geoffrey (2009). *The Jewish Neo-Aramaic Dialect of Sanandaj*. Gorgias Press. ISBN 978-1-60724-134-8.

کرده که پایه شهر سنندج را فراهم نموده است. اهمیت این شهر به عنوان مرکز یک استان نیمه خودمختار در قرون ۱۷ و ۱۸ که توسط اردلان‌ها اداره می‌شده تا اواسط قرن ۱۹ ادامه داشته است. و در اوایل قرن ۲۰ سنندج محل زندگی مسلمان‌ها، یهودی‌ها و مسیحی‌ها بوده و زبان غالب مسلمانان در آن دوره کردی بوده که البته قبل از اسلام آیین آنها یارسانی و زبانشان گورانی بوده و یهودی‌ها و مسیحی‌ها گروه اقلیتی بودند که به نوآرامی به عنوان زبان اجدادی‌شان صحبت می‌کردند. البته زبان فارسی هم زبان آموزش و امور اداری وقت بود. نوآرامی از خانواده زبان‌های سامی و کردی، گورانی و فارسی از زبان‌های ایرانی هستند. پس با چنین موقعیت چندزبانه بودن سنندج، تماس بین زبان‌های مختلف عادی بوده و این وضعیت زمینه برای تغییرات ناشی از تماس زبان‌ها را فراهم کرده است. این کتاب تمرکز خود را بر روی تغییراتی گذاشته که حاصل تماس زبانی یکی از گویش‌های نوآرامی با زبان‌های ایرانی است.

البته علاوه بر مطالعه تماس زبانی، توصیفی نظام‌مند نیز از گورانی (زبان بومی هورامان تخت) و کردی سنندجی بر اساس کتاب خان (۲۰۰۹) آمده است.

در کتاب، به این مطلب اشاره شده که گویش نوآرامی مسیحی بسیار با گویش یهودی آن فرق دارد، به طوری که این دو گروه در این منطقه به زبان کردی با هم صحبت می‌کردند و در نتیجه از تأثیر آنها بر یکدیگر شواهد زیادی وجود ندارد.

نویسندگان در ادامه فصل اول به معرفی زبان‌های نوآرامی سنندج، زبان‌های ایرانی، دوزبانگی و تغییر زبان در سنندج، اهداف و روش شناسی کتاب پرداخته‌اند.

گویش نوآرامی سنندج به زیرگروه نوآرامی شمال شرقی تعلق دارد که در آن بیش از ۱۵۰ گویش دیگر وجود دارد که توسط یهودیان و مسیحی‌هایی تکلم می‌شد که در شهرها و روستاهای شرق رودخانه دجله سکونت داشتند.

مانند اکثر زبان‌شناسان، این کتاب زبان‌های ایرانی را به دو گروه شرقی و غربی تقسیم کرده و گروه غربی را به زیر گروه‌های جنوبی و شمالی طبقه‌بندی می‌کند و کردی و هورامی را متعلق به زبان‌های شمال غربی ایرانی می‌داند و از سوی دیگر فارسی را جنوب غربی معرفی می‌کند. گورانی را هم دارای وابستگی تاریخی به کردی می‌داند.

کردی به سه گونه شمالی (کرمانجی)، مرکزی (سورانی) و جنوبی (کلهری، کرمانشانی، ..) تقسیم می‌شود. کردی سنندجی، جنوبی‌ترین کردی مرکزی و مجاور با هورامی و کردی جنوبی است که به گفته نویسندگان کتاب خیلی کم مورد مطالعه قرار گرفته و توصیف شده است. توصیف این زبان در فصل‌های بعد با استفاده از الگوی دستور زبان خان (۲۰۰۹) آمده است.

داده‌های گویش کردی سنندجی از مجموعه‌ای از یازده روایت گفتاری گردآوری شده در سنندج و روستاهای اطراف آن به دست آمده است. فارسی هم در اوایل قرن ۲۰ توسط حکومت اردلان برای آموزش و مکاتبات اداری وارد این منطقه شد. و هورامی سومین زبان ایرانی سنندج است. در این کتاب از گورانی

به عنوان یک اصطلاح پوششی استفاده شده است برای گروهی از زبان‌های غربی ایرانی که در منطقه هورامان تخت صحبت می‌شوند. این زبان در دو طرف مرز ایران و عراق و بخش‌های کوچک مختلفی در شمال عراق که تا غرب امتداد دارد (دشت موصل) صحبت می‌شود.

در میان گویش‌های گورانی، هورامی شناخته‌شده‌ترین آنهاست. هورامی در امتداد مرز ایران سه گویش تخت، لهون و ژاورو دارند که تنها دستور زبان موجود برای آن متعلق به مکنزی (۱۹۶۶) است که آن هم متعلق به هورامی لهون است. این کتاب هورامی تخت را توصیف می‌کند که یکی از محافظه‌کارترین آنهاست. البته از لحاظ صرفی - نحوی به گویش لهونی نزدیک است و از لحاظ جغرافیایی هورامان تخت به سنج نزدیکتر است. این زبان در دربار اردلان‌ها به عنوان یک زبان ادبی به کار می‌رفته است. گورانی را هم زبان متون مکتوب مذهبی یارسانی‌ها می‌دانند.

در دهه ۱۹۵۰، حدود ۲۰۰ خانواده یهودی در سنج بوده‌اند یعنی بالغ بر ۴۸۰۰ نفر و حدود ۱۰٪ کل جمعیت شهر که رابطه آن‌ها با مسلمانان سنی شهر دوستانه بوده و تمام یهودیان به کردی هم صحبت می‌کرده‌اند اما مسلمانان سنج زبان JSNENA یهودیان را بلد نبوده‌اند.

شواهدی وجود دارد که گویش کردی که امروزه در سنج صحبت می‌شود دارای یک بستر گورانی (مخصوصاً هورامی) است. به عنوان مثال، این ویژگی با ویژگی‌های صرفی - نحوی که آن را از سایر گونه‌های کردی مرکزی متمایز می‌کند، می‌توان نشان داد. یکی از این ویژگی‌ها ترتیب ارکان اصلی جمله (فاعل و مفعول) در زمان گذشته است.

در کردی مرکزی سنج (a۱) و هورامی (b۱) نشانه مفعول اول و نشانه فاعل در جایگاه دوم قرار می‌گیرند در حالی که این ترتیب در گونه‌های کردی مرکزی برعکس است. مثلاً در کردی مرکزی موکری (c۱) نشانه فاعلی قبل از نشانه مفعولی بکار می‌رود (ر.ک. Mohammadirad & Öpengin (۲۰۲۲)).

1. a. bərd=mān=yān
take.pst=1pl=3pl
- b. bard-īmē=šā
take.pst-1pl=3pl
- c. bərd=yān-īn
take.pst=3pl-1pl
'They took us (away).'

یکی دیگر از شواهد برای زیرلایه گورانی در کردی سنجی این است که جزء اضافه در گورانی شکل $\bar{t}\check{c}$ دارد، در حالی که در سایر گونه‌های کردی مرکزی شکل $\bar{t}\check{s}$ دارد.

یک گزارش ملموس‌تر از تغییر زبان در سنج از گورانی به کردی در ترجمه‌ای از انجیل به هورامی گورانی توسط کردستانی (۱۹۳۰) دیده می‌شود. نویسنده که از پزشکان مشهور سنجی به نام دکتر سعید خان کردستانی (۱۸۶۳-۱۹۴۳) بوده، با اندوه می‌نویسد که وقتی پس از پنجاه سال غیبت به زادگاهش

سنندج بازگشت، هورامی، گویش شیرین اصلی شهر، اکنون کاملاً منقرض شده است و می‌توان آن را تنها توسط یک مشت پیرزن در گوشه و کنار سنندج شنید.

در این کتاب، شواهدی به دست داده شده که نشان می‌دهد زبان مردم سنندج تا شهرزور (سلیمانیه) گورانی و مذهب آنها یارسانی بوده است. در حکومت اردلان‌ها تغییر زبان از گورانی به سورانی و تغییر مذهب از یارسانی به اسلام تسنن صورت گرفته است.

نویسندگان در این کتاب مقایسه‌ای نظام‌مند بین دستور زبان و واژگان گویش نوآرامی یهودیان سنندج (خان ۲۰۰۹) و زبان فارسی ارائه کرده‌اند. به این صورت که فصل‌های توصیفی کتاب مطابق با فصل‌های کتاب خان (۲۰۰۹) است، که شامل آواشناسی، صرف، نحو، گفتمان و واژگان است. فصل پایانی تغییرات ناشی از تماس که در گویش نوآرامی یهودیان سنندج شناسایی شده‌اند را دسته‌بندی می‌کند.

هر کدام از توصیف‌های گویش نوآرامی یهودیان سنندج با یکی از زبان‌های ایرانی در سنندج (کردی سورانی سنندجی، گورانی تخت، و گاهی هم بعضی از زبان‌های غربی و مجاور با شرق عراق) مقایسه شده است و ساختارهای موازی و متفاوت شناسایی شده و زبان آن تعیین می‌شود.

بررسی جامع تغییرات ناشی از تماس در تمام سطوح یک زبان ما را در درک بهتر این پدیده کمک می‌کند. این پدیده به دلایل زیر پیچیده‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود:

۱. ماهیت مقیاس برخی از انواع همگرایی

۲. رابطه بین عوامل بیرونی و درونی تغییر

۳. لایه‌های تاریخی تغییر ناشی از تماس

۴. ابعاد چندگانه همزمانی و درزمانی اجتماعی زبان

از این حیث این کتاب مناسب زبان‌شناسانی است که به مطالعه تماس زبانی علاقمند هستند. اصطلاحات تغییرات زبانی ناشی از تماس زبانی در این کتاب عبارتند از: وام‌گیری (Borrowing)، هم‌گرایی (Convergence)، تقلید (Imitation) و تکرار (Replication).

در فصل دوم کتاب نویسندگان این زبان‌ها را از پنجره واج‌شناسی نگاه و مقایسه می‌کنند. آنها معتقد هستند که فهرست اولیه واج‌های همخوان گویش نوآرامی یهودیان سنندج به دلیل همگرایی با نظام‌های واجی زبان‌های ایرانی این منطقه دستخوش تغییر شده است. مثلاً همخوان‌های بین دندانی اولیه θ و δ از بین رفته و بعد از عبور از یک دوره استفاده $/l/$ کناری و نرم شده جای خود را به انسدادی $/d/$ زاگرسی داده‌اند.

برخی از ویژگی‌های واج‌شناختی گویش نوآرامی یهودیان سنندج درجات مختلفی از همگرایی را با گورانی یا کردی نشان می‌دهند. مثلاً رنگ واکه‌های گویش نوآرامی یهودیان سنندج کمی بیشتر از واکه‌های

کردی سنندج، با گورانی منطقه مطابقت دارد و الگوهای تکیه گویش نوآرامی یهودیان سنندج با الگوهای تکیه در زبان‌های ایرانی منطقه نیز مطابقت دارد.

در این فصل به اندازه قابل توجهی شواهد و دلایل برای ادعای همگرایی زبان نوآرامی یهودی با زبان‌های منطقه می‌آورند که این مسئله اهمیت مطالعه این فصل را برای علاقمندان دوچندان کرده است. از آن جمله /ʔ/ ابتدایی کلمه در برخی کلمات گویش نوآرامی یهودیان سنندج به تقلید از روندی موازی در گورانی و کردی منطقه به /h/ تغییر کرده است:

2. JSNENA

hamər 'he says' < 'amər

hamé 'he brings' < 'amē

hēzəl 'he goes' < 'ēzəl

Kurdish

hangūr [hæn'gu:r] 'grape' cf. P. angūr

halūja [hæl'u:ˈdʒæ] 'sour plum' cf. P. ālūče

hanjīr [hæn'dʒi:r] 'fig' cf. P. anjīr

hasal [hæ'sal] 'honey' < 'asal < Arab. 'asal)

Gorani

hanār [hæ'na:r] 'pomegranate' cf. P. anār

hangwīn [hæng'wi:n] 'honey' cf. P. angbīn > angubīn

hawr [hæwɾ] 'cloud' cf. P. abr

جدول زیر در این فصل برای مقایسه صورت‌های واجی همخوان‌ها در این سه زبان آمده است:

Table 1: Phoneme Inventory of JSNENA, Kurdish, and Gorani.

	Labial	Alveolar	Post-alveolar	Palatal	Velar	Uvular	Pharyngeal	Laryngeal
Stops								
Unvoiced	<i>p</i>	<i>t</i>			<i>k</i>	<i>q</i>		ʔ
Voiced	<i>b</i>	<i>d</i>			<i>g</i>			
Emphatic		<i>ṭ</i>						
Affricates								
Unvoiced			<i>č</i>					
Voiced			<i>j</i>					
Fricatives								
Unvoiced	<i>f</i>	<i>s</i>	<i>š</i>		<i>x</i>		<i>ħ</i>	<i>h</i>
Voiced	<i>w</i>	<i>z</i>	<i>ž</i>	<i>y</i>	<i>(g)</i>		ʕ	
Emphatic		<i>s̥</i>						
Nasal								
Lateral	<i>m</i>	<i>n</i>						
Plain		<i>l</i>						
Emphatic		<i>l̥</i>						
Rhotic								
Tap/trill		<i>r</i>						
Trill		<i>ṛ</i>						
Emphatic		<i>r̥</i>						

در فصل سوم کتاب در مورد ضمائر شخصی، ضمائر اشاره، و پسوندهای ضمیری بحث می‌شود. در این قسمت گفته شده که ضمیرهای شخصی مستقل گویش نوآرامی یهودیان سنندج از بسیاری جهات شکل جدیدی از صورت قدیمی آرامی است و حالت‌های غیرفاعلی (oblique case) تغییر کرده و به صورت تصریفی در زبان گورانی شبیه شده است. ضمیر سوم شخص گویش نوآرامی یهودیان سنندج جنسیت را از دست داده و به کردی شبیه شده ولی در گورانی تمیز جنسیتی حفظ شده است.

این فصل به‌طور جامعی، انواع ضمائر و صورت‌های مختلف آنها را در هر سه زبان پوشش داده و مقایسه‌های ارزشمندی انجام داده است که از جهت مطالعات زبان‌شناختی بسیار حائز اهمیت است. حالت‌های صرفی ضمائر سوم شخص گویش نوآرامی یهودیان سنندج به گورانی نزدیک‌تر است تا به کردی سورانی.

اسم و ساختار آن و دیگر عناصر و شکل‌های اسم در فصل چهارم شرح و بسط داده شده است. در ابتدای فصل آمده است که اسم‌ها در گویش نوآرامی یهودیان سنندج دارای جنسیت مذکر یا مؤنث هستند. در مورد گورانی هم همین‌طور است ولی در کردی سورانی منطقه تمیز جنسیت از بین رفته است. در گویش نوآرامی یهودیان سنندج تا حد زیادی جنسیت از آرامی کهن به ارث رسیده و به نظر نمی‌رسد با جنسیت اسامی متناظر گورانی همگرایی داشته باشد.

وام‌واژه‌های گورانی در گویش نوآرامی یهودیان سنندج جنسیت خود را در زبان مبدأ که گورانی باشد حفظ کرده‌اند و وام‌واژه‌های گویش نوآرامی یهودیان سنندج که از کردی و فارسی به عنوان زبان مبدأ گرفته شده‌اند و جنسیت هم ندارند، بر اساس اصول معنایی گویش نوآرامی یهودیان سنندج از حیث جنسیت تعیین می‌شوند. برخی از پسوندهای اشتقاقی در گویش نوآرامی یهودیان سنندج به گورانی شباهت دارند و این ممکن است به دلیل استفاده از یک راهکار اشتقاقی خاص در گویش نوآرامی یهودیان سنندج باشد که به جای استفاده از جایگزین‌های ممکن، از وندهای خاص زبان‌های ایرانی استفاده شده باشد.

پایانه‌های جمع در گویش نوآرامی یهودیان سنندج، مخصوصاً -ē- شبیه پایانه‌های جمع در گورانی است که حتی کلمات وام گرفته شده هم به همین شیوه جمع بسته می‌شوند.

گویش نوآرامی یهودیان سنندج پسوند تعریف akē- را از گورانی گرفته است. در گورانی این پسوند دارای صورت‌های صرفی گوناگون است. صورت akē- پربسامدترین صورتی است که گویش نوآرامی یهودیان سنندج وام گرفته است. در گورانی و کردی صورت جمع بعد از حرف تعریف قرار می‌گیرد و از طرف دیگر، در گویش نوآرامی یهودیان سنندج پسوند جمع مستقیماً روی ریشه اسم قرار می‌گیرد و پسوند معرفه به انتهای کلمه ضمیمه می‌شود. به همین شیوه در این فصل با جزییات مناسبی به بررسی جنسیت، جمع، معرفه و نکره، اضافه، صفات، شمار، قید و هر آنچه به اسم مربوط است پرداخته شده است و این سه زبان با هم مقایسه و بررسی شده‌اند.

فصل پنجم به بررسی و مقایسه فعل در این زبانها اختصاص دارد. ویژگی تمیز دهنده شکل فعل در گویش نوآرامی یهودیان سنندج استفاده از بن‌های مختلف گذشته و وجه نتیجه‌ای (resultative participle) برای فعل‌های متعدی عاملی (agentive) از یک طرف و فعل‌های لازم از طرف دیگر است. این یک شکل جدید است که در نتیجه همگرایی با الگوهای صرفی از مقوله‌های فعلی زبان گورانی به وجود آمده است. یک شکل دیگر که در پیکره اصلی گویش نوآرامی یهودیان سنندج دیده نمی‌شود و ظاهراً از کردی و گورانی تأثیر پذیرفته است شکل سببی افعال، یعنی استفاده از تکواژ سببی در افعال کردی و گورانی، است. تکیه آغازین کلمات در شکل امری افعال در گویش نوآرامی یهودیان سنندج با زبان‌های ایرانی مطابقت دارد.

شکل امری افعال بر اساس بن مضارع است (۳) و (۴):

1. Gorani

karday	‘to do’
Present stem	kar
Past stem	kard
Resultative participle	karda (m); kardē (f, pl)
Imperative	kar
Infinitive	karday

2. Kurdish

gærtan	‘to take’
Present stem	gær
Past stem	gært
Resultative participle	gærtæg, gærtē
Imperative	gær
Infinitive	gærtan

فصل ششم کتاب درباره نحو گروه اسمی و عناصر مربوط به آن است. در این فصل اطلاعاتی نحوی از زبان‌های کردی سنندجی و گورانی و نوآرامی به دست داده است که بسیار قابل توجه است. مثلاً به نشانه xa اشاره شده است که از نظر صرفی نشانه نکره غیرمقید است و با اسم بکار می‌روند و به یک مرجع با درجه‌ای از برجستگی گفتمانی اشاره دارند. زبان‌های ایرانی (کردی سنندجی و گورانی) از یک وند نکره وابسته (مقید) برای این منظور استفاده می‌کنند. گویش نوآرامی یهودیان سنندج برای ارجاع‌های عام (generic) و نامشخص از هیچ نشانه‌ای استفاده نمی‌کند که از این لحاظ همگرایی خود با زبان‌های ایرانی را از دست می‌دهد. پسوند -aka در گویش نوآرامی یهودیان سنندج یک وام‌گیری مستقیم از گورانی است که خود یک پسوند [البته واژه‌بست] معرفه است. یعنی دقیقاً مانند زبان‌های ایرانی این منطقه (سنندج) شده اما برخلاف این زبان‌ها، پسوند معرفه در نوآرامی یهودیان سنندج مفهوم تصغیر را ندارد چون خود از قبل

برای مفهوم نصغیر امکاناتی را به ارث برده که دیگر به این نقش *akē*- نیازی ندارد یعنی به قول وینریچ (۱۹۵۳، صفحه ۳۳) زبان‌ها مورفیم‌های وابسته را استفاده نمی‌کنند مگر این که به آن نقش مورفیم نیاز داشته باشند.

ضمایر اشاره غیروابسته هم در زبان‌های ایرانی و هم در زبان نوآرامی برای نشان دادن فاصله فیزیکی و البته برای تعاملات عاطفی مرجع‌دار بکار می‌رود. به این صورت که شخصیت‌های اصلی در یک بافت را با ضمایر اشاره نزدیک و شخصیت‌هایی که در آن بافت اهمیت و برجستگی کمتری دارند را با ضمایر اشاره دور نشان می‌دهد.

جزء فعلی *wa* که در گویش نوآرامی یهودیان سنندج وجود دارد (و نشانه زمان حال است) در کردی سنندج و گورانی جایی ندارد ولی در کردی سلیمانیه وجود دارد. که این نشان می‌دهد گویش‌وران نوآرامی پیش‌تر در این منطقه (سلیمانیه) مقیم بوده‌اند.

در زبان نوآرامی اسم‌هایی که با اعداد بیشتر از یک ترکیب می‌شوند جمع بسته می‌شوند ولی در زبان کردی اعداد همیشه با اسامی مفرد ترکیب می‌شوند. *xa* به عنوان عدد اصلی و به معنای یک در زبان نوآرامی یک حرف تعریف نامعین محسوب می‌شود که به یک نشانه‌ی دستوری برای نشان دادن حالت نکره‌ی یک اسم استفاده می‌شود مثلاً در موقعیتی که گوینده احتمال بدهد که شنونده قادر به تشخیص مرجع اسم نباشد از آن استفاده می‌شود.

این *xa* با همه‌ی اسامی نامعین در نقش‌های متفاوت نشانه‌ی نکره نیست و چون حرف تعریف نامعین در زبان انگلیسی در میان اسامی نکره کاربرد دارد، هنگام ترجمه در جاهایی که *xa* هم بکار نرفته استفاده از حروف تعریف نامعین انگلیسی گاهی جایز است. این جزء *xa* گاهی با کلمه *dāna* که یک کلمه‌ی کردی و به معنی دانه و غله است ترکیب شده و نقش نکره بودن را نشان می‌دهد. مثلاً *xa-dāna tórta* "یک دانه گاو" به معنی یک راس گاو است.

پسوند نکره‌ی *-ēk* که در کردی هست و حالت کوتاه شده‌ی آن *-ē* است نیز در زبان نوآرامی نشانه‌ای از تعجب است. مثالی که در این کتاب آمده مؤید این ادعاست.

3. JSNENA

'ajab bron-ēk=yē.

wonder son-indf=cop.3sg.m

'He is a wonderful boy.' (A:17)

در کردی سنندج *-ēk* یک پسوند [واژه بست] نکره‌ی نامعین است که هم برای اسامی مفرد و هم برای اسامی جمع بکار می‌رود و ممکن است گاهی هم با کلمه‌ی *dāna* "دانه، غله" ترکیب شده و صورت نکره *dānay(k)* به دست دهد. معادل این پسوند در گورانی به دو صورت *-ēw* برای حالت مذکر و *-ēwa* برای حالت مؤنث بکار می‌رود و در بعضی موارد هم صورت کوتاه شده‌ی *-ē* بکار می‌رود.

عدد اصلی yak به معنی "یک" گاهی در کردی و در نقش حرف تعریف نامعین بکار می‌رود که در این کاربرد معمولاً قبل از (classifier) دسته بندی‌نمای nafar برای انسان بکار می‌رود. مثلاً yak-nafar rîš-čarmū "یک پیرمرد".

همچنین در این کتاب می‌بینیم که اسامی نامعین در زبان نوآرامی که به یک دوره زمانی اشاره دارد نقش قیدی می‌گیرند و در ترکیب با xa و در بافت‌های زیر برای اشاره به یک زمان مشخص استفاده می‌شود.

4. JSNENA

- a. *xa-yoma zîl lāg-ēf=ū| mîr -ē*
 one-day go.pst.3sg.m side-his=and say.pst-obl.3sg.m
bāq-ēf| mîr-ē flānakas| 'āt ba-day
 to-3sg.m say.pst-3sg.m so-and-so you.s in-dem.obl
zāndagî ba-kār māyay-ōx k-xəl?
 life in-work what-you.sg.m ind-eat.prs.3sg.m
 'One day he went to him (the neighbour). He said to him, he said, "Soand-so, what use is this life to you?"
- b. *xà yoma| 'ay-baxt-î 'ata*
 one day this-wife-1sg now
ya-xaēt-à| xîy-ā- lî.
 rel-see.prs.2sg.m-obl.3sg.f see.pst-3sg.f-obl.1sg
 'One day I saw this wife of mine whom you see (now).'

در زبان کردی هم پسوند [واژه بست] *-ēk* یا صورت کوتاه شده‌ی آن (*-ē*) در ترکیب با اسم و اشاره به یک زمان نقش قیدی به‌وجود می‌آورد.

5. Kurdish

- žəh̄ -ēk=ū pīyāw̄ -ēk a-w-ən| mənā|=yān*
 woman-indf=and man-indf ind-cop.prs-3pl child=3pl
nā -wē.| bo xwa=y| řož-ē šū-aka=y
 neg-cop.3sg for refl=3sg day-indf husband-def=3sg
a-yž-ē, mən a-č-əm bo dāšt.
 ind-say.prs-3sg 1sg ind-go.prs-1sg to field
 'Once there was a couple (lit. woman and man) who did not have a child.
 Simply put, **one day** her husband said, "I'm going outside."

خلاصه اینکه در این کتاب، توضیح در مورد مرجع مشخص نکره بدون برجستگی کلامی (Indefinite specific referent without discourse salience) را در هر سه زبان نوآرامی، کردی و گورانی می‌توانید با مثال ببینید. مثلاً اینکه در نوآرامی چون xa قبل از اسم‌هایی که مرجع مشخصی دارند نشان

دهنده‌ی برجستگی کمتر اسم برای گوینده است، مرجع حذف می‌شود. در مثال زیر "اسب" نقش اصلی (مرکزی) ندارد.

6. JSNENA

- a. 'āna xa-yoma rēša sūsī=yē-lī.
I one-day on horse=cop.pst-obl.1sg
'One day I was on a **horse**.'
- b. 'axon-ī dawaxānē-hīt-wā-lē.
brother-1sg pharmacy-exist-pstc-obl.3sg.m
'My brother had a **pharmacy**.'
- c. qaṣāb hīt-wā-lan b-šəma 'Azīz-Xān.
butcher exist-pstc-obl.1pl by-name PN
hulāà=yē-le.
Jew=cop.pst-obl.3sg.m
'We had a **butcher** by the name of Aziz Khan. He was a Jew.'

همین اتفاق در زبان‌های ایرانی این منطقه هم یافت می‌شود.

7. Kurdish

- a. ēma hāt-īn madrasā dārus ka-yn|
1pl come.pst-1pl school right do.prs-1pl
'We came (went) to build a **school**.'
- b. aw fas|-a aw=īč tā w a at-ēr-ēt=ū
dem.sg.dist time-dem 3sg=add pan ind-bring.prs-3sg=and
hī lka=y tē a-škən-ē|
egg=3sg in ind-break.prs-3sg
'Then, she brought a **pan** and broke the eggs into it.'

8. Gorani

- haywān bar-ō| yawā kar-o kīsa=š|
animal take.prs-3sg barley do.prs-3sg sack=3sg
'He took an **animal** (a horse) and put barley in its saddlebag.'

در بخش نشانه‌گذاری سنگین برای ساختارهای گفتمانی (Heavy coding for discourse structuring) آمده است که نشان دادن اسم در حالتی که برای دومین بار اشاره می‌شود در زبان نوآرامی درواقع سنگین‌تر است چون به جای یک صفت از یک بند وصفی استفاده می‌کند و این اسم دارای مرجع خاصی نیست.

9. JSNENA

- k-əmrī-wā-lē qawurmā.| natē-n-wā-lē|
ind-say.prs-3pl-pstc-obl.3sg.m meat.fat take.prs-3pl-pstc-obl.3sg.m
ga-twka qarīra mat-ī-wā-lē.| yaxčāl
in-place cool place.prs-3pl-pstc-obl.3sg.m fridge
līt -wā-lan xor-o-waxtara.| mat-ī-wā-lē

neg.exist-pstc-obl.1pl still-dem-time place.prs-3pl-pstc-obl.3sg.m

ga-xa-twka qarîrâ hawê| pēš ta-sətwà.

in-one-place cold be.prs.3sg.m remain.prs.3sg.m. for-winter

‘They called this *qawurma*. They took it and placed it in a cool place. We still did not have a fridge at that time. They put it **in a place** that was cool for it to remain until winter.’

در این کتاب یکی دیگر از کاربردهای *xa* در نوآرامی استفاده از آن به عنوان عدد اصلی و نیز در ترکیب با واحدهای اندازه‌گیری است.

10. JSNENA

a. *xa kîlo xêta ho-lî,| mastà ho-lî.*

one kilo other give.imp.sg-obl.1sg yoghurt give.imp.sg-obl.1sg

‘Give me **one kilo** of such-and-such a thing, give me yoghurt.’

11. JSNENA

xalêt-êf xa-dasa ləbās =yē-lē.

gift-3sg.m one-set clothes=cop.pst-obl.3sg.m

‘His gift was **a set** of clothes.’

اما در کردی برای واحدهای اندازه‌گیری از پسوند نکره استفاده می‌شود.

12. Kurdish

a. *kîlò-ê qan=əm b-a-r-ê|*

kilo-indf sugar.cube=1sg subjv-give.prs-2sg.imp=to

‘Give me **one kilo** of sugar cubes.’

برخلاف *-êk*، استفاده از *yak* به عنوان نشانه‌ی نکره کاربرد محدودتری در زبان کردی دارد. *yak* در ترکیب با اصطلاح‌های طبقه‌بندی مثل *nafar* "نفر" برای اشاره به برجستگی کلامی مرجع‌های انسانی استفاده می‌شود.

13. Kurdish

yak-nafâr řîš-čarmû ha=s l-am šār-a|

one-clf beard-white exist=cop.3sg in-dem.prox city-dem

kanîšk kâwrâ a-xwâz-ê dâ sâl-êk|

daughter fellow ind-marry-3sg until year-indf

‘There **is an old man** (lit. white beard) in this city, who marries fellows’ daughters for the duration of one year.’

در نوآرامی *xa* می‌تواند بصورت مستقل هم نقش یک ضمیر نکره با مرجع مشخص داشته باشد.

14. JSNENA

xa 'lî-lē-ò| xa la 'lî-lē-ò|

one know.pst-obl.3sg.m-telic one neg know.pst-obl.3sg.m-telic

‘One recognised him and another did not recognise him.’

در زبان‌های ایرانی این منطقه هم عدد "یک" yak می‌تواند بصورت ضمیر بکار برود. مانند نوآرامی، گورانی هم از عدد "یک" yak به تنهایی استفاده می‌کند ولی در کردی عدد یک پسوند نکره -ē می‌گیرد که این یعنی نوآرامی از این حیث بیشتر به گورانی نزدیک است تا به کردی.

15. Gorani

- a. *yūa=m mā r a bəryē=na sar=ū yaraša təmana*
 one.f=1sg marriage cut.ptcp.f=3sg.f on=e300 Toman
 'I married one (a woman) for 300 tomans of wedding proportion.'
 b. *yo pānsāt təmanī=šā dā-ym=ē*
 one.m five.hundred toman=3pl give.pst-1pl=to
 'They gave us each 500 hundred tomans.'

16. Kurdish

- a. *sēmīn | wət=ī rolā | sē dā n a dawrīš tē-n*
 thirdly say.pst=3sg dear three clf dervish ind.come.prs-3pl
yāk-ē dāna=y l-aw
 one-indf clf=e3 from-dem.dist
kanīš-al=yān-a ba-n pē bā b=ī-wā-n
 girl-pl=3pl-dem1 sbjv.give.prs-2pl to hort sbjv=3sg-take.prs-3pl
 'Thirdly, he said, "Dear sons! Three dervishes will come here. Give **each one** of them one of the daughters in marriage, so that they take them."
 b. *yak-ē kūř -ēk=tān a-w-ē*
 one-indf son-indf=2pl ind-cop.prs-3sg
 'Each one of you will have a son.'

در نوآرامی xa-dana که از نظر مورفولوژیکی کدگذاری سنگین‌تری نسبت به xa دارد مفهوم تمایز انفرادی را نشان می‌دهد و معمولاً برای بیان تمایز مرجع اسم بکار می‌رود و یکی از بافت‌هایی که این کاربرد در آن نمود پیدا می‌کند هنگامی است که وقتی یک اسم یا عبارتی نشان می‌شود دارای مرجعی است که برجستگی کلامی دارد و در این برجستگی کلامی این اسم نقش مهمی ایفا می‌کند.

17. JSNENA

- xa-dāna lačaga rabta ba-rēš-āf=yē-la.*
 one-clf veil big on-head-3sg.f=cop.pst-obl.3sg.f
rēš-af ksē-wā-la=ū | yāwāš mən-rēš-af
 head-3sg.f cover.pst-pstc-obl.3sg.f=and slowly from-head-3sg.f
gərš-ā- lī | šoŋt-ā-lī do-lāg.
 pull.pst-3sg.f-obl.1sg throw.pst-3sg.f-obl.1sg obl.dem-side
 'A large veil was on her head. She had covered her head. I slowly pulled it from her head and threw it to one side.'

در کردی هم dāna-yk و dāna-y مثل xa-dana یک کدگذاری نکره‌ای را نشان می‌دهد و به یک مرجع مشخص برجستگی کلامی می‌دهد.

18. Kurdish

- a. *a-řö| kàm a-řö| fərà a-řö,*
 ind-go.prs.3sg little ind-go.prs.3sg long ind-go.prs.3sg
a-ga-yt=a dāna-y jəftyā r|,
 ind-arrive.prs-3sg=drct clf-indf farmer
xarīk=a jəft a-kā. | a-yž-ē,
 busy=cop.3sg ploughing ind-do.prs.3sg ind-say.prs-3sg
bo kōnà a-ř-ī bəṛā?
 to where ind-go.prs-2sg brother
 'He went; he went a little (way), he went a lot (a long way). He arrived
 at a farmer, who was busy farming. (The farmer) said, "Fellow! where
 are you heading?"'

زبان نوآرامی پسوند نکره‌ی *-ēk* را برای اسم‌هایی که با صفت‌های ارزیابی توصیف می‌شوند از کردی قرض گرفته است.

19. JSNENA

- a. *bróna rāba 'ayz-ēk=yē-lē.*
 boy very fine-indf=cop.pst-obl.3sg.m
 'He was a very fine lad.' (A:14)
 b. *'ajab bron-ēk=yē.*
 wonder boy-indf=cop.3sg.m
 'He is a wonderful boy.'

20. Kurdish

- a. *xānm=iš āzā swār asb-ēk bā š a-wē|*
 woman=add quickly rider horse-indf fine ind-be.prs.3sg
 'The lady quickly mounted on a fine horse.'
 b. *nā-zān-ī čə kuř-ēk=ū|*
 neg-know.prs-2sg what rider-ind=cop.pst.3sg
 'You don't realize what a boy he was.'

21. Gorani

- yāg(a)-ēwa fəra wašà bīyē=na|*
 place-indf.f much pleasant.f be.pst.ptcp.f=cop.prs.3sg
 'It was a very nice place.'

حرف تعریف *-akē* از گورانی در نوآرامی و کردی هم استفاده می‌شود.

22. Gorani

- īsà| han dawlatmàn=ā=w| mən gadā = nā| mən*
 now exist.prs.3sg rich=cop.3sg=and 1sg poor=cop.1sg 1sg
řamı y ā=ū dawlatmana-(a)ka-y| mǎ-yā-ū=š panē|
 run.pst.1sg=and rich-def-obl.m neg-arrive.prs-1sg=3sg to
 'Nowadays, there is a rich fellow, and as for me, I am poor. I run (i.e.
 work) like the rich (fellow) but I cannot reach him.'

23. Kurdish

čāl-ēk a-kan-ē | a-řöt =a nāw čāl-aka |
 hole-indf ind-dig.prs-3sg ind-go.prs.3sg=drect inside hole-def
dā-a-nīš-ē=ū | pvb-īnd-sit.prs-3sg=and
 ‘He digs **a hole**, (and) goes into **the hole** (and) sits (there).’

24. JSNENA

’āfsarē | ’artēš | rakw-ī-wa sūsī. | sūsī
 officers army ride.prs-3pl-pstc horse horse
k-wī-wā-lū. | xa-nafar=əč mangal nokār , |
 ind-give.prs-pstc-obl.3pl one-clf=add like servant
xa-sarbāz , | lapāl-wa ba-šon-ēf rēša sūsī
 one-soldier fall.prs.3sg.m-pstc in-place-3sg.m on horse
xēt. | susy-akē mən-sarbāzxānē
 other horse-def from-barracks
k-mē-wā-lē qam tarā. |
 ind-bring.prs.3sg.m-obl.3sg.m before door
 ‘Officers, in the army, would ride on **a horse**. They would give them
 a horse. Somebody like a servant, a soldier, would, moreover, follow
 him on another horse. He would bring **the horse** (for the officer) from
 the barracks to the door.’

در بعضی پیکره‌های نوآرامی جمله‌واره با یک پسوند *akē* برجسته می‌شود و این برجستگی نه تنها برای محتوای درونی جمله‌واره است بلکه برای مرز گفتمان نیز تأثیرگذار است.

25. JSNENA

mīr-wā-la Mərza Xanaka xa-gora g-bē-lòx. |
 say.pst-pstc-3sg.f pn pn one-man ind-want.prs.3sg.m-obl.2sg.m
la-k-ay-an māni=yē. | Xanaka=č mən-panjar-akē
 neg-ind-know.prs-1sg.f who=cop.3sg.m PN from-window-def
m īn-e-ō | hāl-dīdī xē-lē. |
 look.pst-obl.3sg.m-telic to-obl.1sg see.pst-3sg.m
 ‘She said, “Mərza Xanaka, a man wants you. I do not know who it is”.
 Xanaka looked from **the window** and saw me.’

این موضوع برای کردی هم صدق می‌کند.

26. Kurdish

dwāngza dawrī =m dā-wərd. | aw=īš hał-sā |
 twelve plate=1sg pvb-take.pst 3sg=add pvb-stand.pst.3sg
payja-ka=y hāwər d. |
 ladder-def=3sg bring.pst
 ‘I took twelve plates, (while) he rose and brought **the ladder**.’

ضمایر اشاره در نوآرامی برای اشاره به مرجع استفاده می‌شود و ابزارهای زبان اشاره به نزدیک برای مرجع‌های نزدیک و ابزارهای اشاره به دور برای مرجع‌های دور بکار می‌رود. البته فقط برای فاصله‌های فیزیکی کاربرد ندارند بلکه برای فاصله‌های عاطفی و علاقه به مرجع هم بکار می‌رود. مثال:

27. JSNENA

mən-laḥāl 'o-xīy-ā- lī. | mīr-ū 'ēa xalasta
 from-far dem-see.pst-3sg.f-obl.1sg say.pst-obl.3pl dem sister
Xanakē=ya.
 PN=COP.3SG.F

'I saw her from afar. They said, "This is the sister of Xanaka."

به همین شیوه در زبان‌های ایرانی این منطقه (سندجی) هم این نوع کاربرد وجود دارد.

28. Kurdish

mən čət-ēg=əm la tò garak=a. | agar aw
 1sg thing-indf=1sg from 2sg be.necessary=cop.3sg if dem.sg.dist
kā r -a anjām bay
 job-dem accomplish sbjv.give.prs.2sg
bə-tān-ī, | a-twān-əm àm žan=t-a
 sbjv-can.prs-2sg ind-can.prs-1sg dem.sg.prox wife=2sg-dem
bēr-m=aw.
 sbjv.bring.prs-1sg=telic

'I want something from you. If you can do the task, I can bring **this wife of yours** back.'

و بسیاری اطلاعات مفید در این زمینه در این بخش وجود دارد.

نوآرامی از *presentative particle*‌های زیادی استفاده می‌کند تا توجه را به مرجع یا موقعیت‌ها جلب کند.

جزء اشاره‌نمای *wā* که در زبان نوآرامی با ضمایر اشاره به دور ترکیب می‌شوند به یک مرجع و یا یک موقعیت در محیط قرا زبانی اشاره دارد.

29. JSNENA

- a. *wā 'onyè.*
 prsnt those
 'There they are.'
- b. *wā 'ó raxəš.*
 prsnt he walk.prs.3sg.m
 'Look he is walking.'

در زبان کردی سنندج، همین جزء اشاره‌نمای *wā* نقش نمایی مشخصی ندارد و بیشتر نقش ابزاری قیدی دارد به معنی «بدین طریق، این طور و این جور».

30. Kurdish

a. *wā dīyar=a.*

sim visible=cop.3sg

'It seems thus.'

b. *mən tūr -ē wā a-xa-m, | yàk-ē wā*

1sg arrow-indf deic ind-throw.prs-1sg one-indf deic

a-xa-m, | yàk-ē wā a-xa-m. |

ind-throw.prs-1sg one-indf deic ind-throw.prs-1sg

'I shot one arrow in this direction, one in this direction, and another in this direction.'

البته در کردی سلیمانیه *wā* به عنوان جزء نمایی برای نشان دادن یک موقعیت بکار می‌رود.

31. Sulemaniyya Kurdish

wā gāyšt-ən. |

prst arrive.pst-3pl

'Look they have arrived.'

بیشترین شباهت بین نقش *wā* در زبان نوآرامی و نقش آن در کردی سلیمانیه است و با نقش آن در کردی سنندج متفاوت است که این می‌تواند دلیلی باشد برای نشان دادن مهاجرت یهودیان از سلیمانیه به سنندج. یعنی ردپای این زبان قبل از رسیدن به سنندج در سلیمانیه بوده است. *hā* در ترکیب با *copula* ساخت‌هایی مثل مثال زیر در زبان نوآرامی به دست می‌دهد.

32. JSNENA

a. *ga-laxa xa-našà hā=y. |*

in-here one-person prst=cop.3sg.m

'There is somebody here.'

b. *'ay-tara hūlēf-ò, | xa nāšà-hā=y. |*

this-door do.imp.sg-3sg.m.-tel one person-prst=cop.3sg.m

'Open the door, there is somebody there.'

c. *'ó laxa hā= y-a. |*

it.sg.f here prst=cop-3sg.f

'It (sg.f) is here.'

همین جزء *hā* در کردی سنندج یک نقش در ترکیب با *copula* در زمان حال و یا با یک قید مکان و یا *spatial interrogative particle* به دست می‌دهد.

33. Kurdish

a. *sê dāna kanīšk hā=n=a aw bar-aw. |*

three clf girl prst=cop.3pl=drct dem.dist front-post

'Three girls are on the other side.'

- b. *hā kwö gurg-aka?*
prsnt.3sg where wolf-def
'Where is the wolf?'

همچنین در کردی سنندج می‌تواند برای جلب توجه به یک موقعیت و یا برای بیان موقعیت‌های محتمل بکار برود که البته زبان نوآرامی برای این نقش دوم از *wā* استفاده می‌کند.

34. Kurdish

- a. *žən-aka=y wət=ī hā kā čonarī hā t=aw.*
wife-def=3sg say.pst=3sg intj Mr. pn come.pst.3sg=telic
'His wife said, "Look! Mr. Chonari has come back (home)."'
 b. *hā kâft!*
prsp.fall.pst.3sg
'He is about to fall.'

در زبان کردی *hā* و صدای گرفته شده از آن *ā* در ترکیب با ضمائر اشاره برای جلب توجه به مرجع‌های قابل رؤیتی که در فاصلی دور قرار دارند بکار می‌رود.

35. Kurdish

- wət=ī day aysà hā kwö gurg-aka?* | *wət=ī ā*
say.pst=3sg well now prsnt where wolf-def say.pst=3sg prsnt
awa hā čüg=as=a nā w sawzaḷānī-aka | *xwa=y*
dem.dist prsnt go.ptcp=cop.3sg=drct inside meadow-def refl=3sg
dərēž=aw kərd-g=as=aw.
long=telic do.pst-ptcp=cop.3sg=telic
'(The mother) said, "Where is the wolf now?" (The kid-goat) replied, "Look over there. He has gone into the meadow (and) has lain down there."'

در نوآرامی چند اصطلاح قیدی وجود دارند که یک پسوند سوم شخص مفرد دارند که به مرجع موقعیتی قبل از خود اشاره می‌کنند. معمولاً این پسوند سوم شخص مفرد *ēf* - مذکر است و البته گاهی هم به‌طور پراکنده صورت منفی آن یعنی *af* - هم استفاده می‌شود.

36. JSNENA

- a. *ləl-ēf da 'wat-àn wī-lū.*
night-3sg.m invitation-1pl do.pst-obl.3pl
'That night they invited us.'
 b. *'axr-ēf ba-zór mīy-ā- lun=u*
end-3sg.m in-force bring.pst-3sg.f-obl.3pl=and
'In the end they brought her by force.'
 c. *bār-do | ləl-ēf-o | da 'wat wī-lū mən-famīl-àn*
after-obl.that night-3sg.m-tel invitation do.pst-obl.3pl from-family-1pl
'Then, in the evening, they invited our family.'
 d. *'ē m- 'awaḷ-əf.*

this from-first-3sg.f
'This (is what happened) at first.'

ساختارهای معادل آن در کردی نیز وجود دارد.

37. Kurdish

- a. *duwāra swār asb-ē tār a-w-ē hān*
again mounting horse-indf other ind-cop.prs-3sg ez.pro
šaw duwum=ī.
night second=3sg
'Again, he mounts on another horse, the one from the second night.'
- b. *āxar=ī bēčā r a=y=o kərd.*
end=3sg wretched=3sg=2sg do.pst
'Eventually, you made him wretched.'

صفات در زبان نوآرامی بصورت عادی بعد از هسته‌ی اسمی قرار می‌گیرند مثلاً «خانه‌ی بزرگ» و در بعضی موقعیت‌ها ezafe فارسی -ē موصوف را به صفت وصل می‌کند. این ساختار هم بعد از اسامی که پسوند تصریفی اسم‌ساز آرامیک و هم بعد از واژه‌هایی که بدون تغییر به این زبان اضافه شده‌اند اضافه می‌شوند.

38. JSNENA

- a. *lābās=ē xarāb lōš-wa.*
clothing=e bad wear.prs.3sg.m-pstc
'He wore ragged clothes.'
- b. *k-ól-wā-lē ba-lēša ga-pliyāw*
ind-do.prs.3sg.m-pstc-obl.3sg.m in-dough in-middle
xa-ṭašt=ē mēšī.
one-bowl=e copper
'He made it into dough in a copper bowl.'

در عبارت‌های اسمی فارسی (Persian NPs)، ezafe اسم را به صفت متصل می‌کند مثل *lebās-e xarāb* «لباس خراب» و *ye dust-e xub* «یک دوست خوب». در زبان نوآرامی یک پسوند ضمیری به صفت می‌چسبد و به هسته‌ی اسمی نمی‌چسبد.

39. JSNENA

- 'axona ruw-ī*
brother big-1sg
'my elder brother'

این نسخه از الگوی پسوند اسمی در زبان‌های ایرانی به جا مانده در زبان کردی سنج است.

40. Gorani

- kātēb-a3 sīyāw-akay=m*
book-cpm black-def.obl=1sg

‘my black book’

41. Kurdish

xwašk-a gawra-(a)ka=m

sister-cpm big-def=1sg

‘my elder sister’

در بعضی موارد تک افتاده در زبان نوآرامی صفت قبل از اسم بکار می‌رود. این مورد در صفت‌های evaluative که فاعل را و نه مفعول را در توصیفش ارزیابی می‌کند اتفاق می‌افتد.

42. JSNENA

‘ayza kasbī hūl ta-noš-ox.

good earning give.imp.sg to-self-2sg.m

‘Take the good earnings for yourself.’

و به همین شکل در کردی این نوع صفت‌ها قبل از اسم بکار می‌رود.

43. Kurdish

gawra māl

‘big family, the house of a well-known man’

juwān-a žən

‘beautiful woman’

در زبان نوآرامی یک وجه وصفی معلوم ممکن است با اسمی که به عمل مربوطه ربط داشته باشد توصیف شود و این اسم معمولاً قبل از وجه وصفی قرار بگیرد.

44. JSNENA

xola garšāna ‘rope puller’

syāmē taršāna ‘maker of shoes’

این ساختارها در زبان‌های ایرانی سنندج هم دیده می‌شود.

45. Kurdish

sa ‘āt sāz ‘watchmaker’

čopī kēš ‘figure dancer’ [lit. one who pulls figure dancing]

در این کتاب ارزشمند اشاره شده که کمیت‌نمای *kūlē* با اسامی مفرد و جمع و به معنی «همه» یا «کل» بکار می‌رود و این جزء ممکن است بدون هیچ اسم وابسته‌ای بکار برود.

46. JSNENA

a. *kūlē hūlāē lā-ləx lē yē-lū.*

all Jews side-each other cop.pst-obl.3pl

‘All the Jews were (living) side by side.’

b. *‘ata kūlē ‘olām xīrtē=ya pūlē.*

now all world become.ptcp.sg.f=cop.3sg.f money

‘Now the whole world has become money.’

در زبان کردی سنج $kull=\bar{e}$ ترکیبی از یک کمیت‌نما به اضافه‌ی جزء اضافه‌ی $\bar{e}$ فارسی است که همراه اسم جمع به کار می‌رود. به نظر می‌رسد که کردی این صدا را از فارسی گرفته است و فارسی هم خود آن را از عربی گرفته باشد.

47. Kurdish

kull=\bar{e} hamro-akān rāžyā bān zawī.
all-ez pear-def.pl pour.pst.3sg on earth
'All the pears were spread on the earth.'

ظاهراً زبان نوآرامی هم برای کمیت‌نمای $kull$ اضافه‌ی $\bar{e}$ را از ساختار فارسی قرض گرفته باشد چون در زبان نوآرامی $\bar{e}$ اضافه در انتهای کلمه وجود ندارد.
کلمه‌ی $tamām$ به معنای «all» که ریشه‌ی عربی دارد نیز از زبان فارسی قرض گرفته شده است و قبل از اسامی مفرد معین که معنی «همه» دارند و یا قبل از اسامی جمع معین با معنای «all» بکار می‌رود و معمولاً به کمک اضافه‌ی فارسی $\bar{e}$ به اسم بعد از خود وصل می‌شود.

48. JSNENA

tamām=\bar{e} 'olām | ḥasrat-ēf lābla=y.
whole=e world envy-3sg.m take.ptcp.sg.m=cop.3sg.m
'The **whole** world became envious of him.'

اما معادل کردی آن بدون اضافه‌ی $\bar{e}$ و با تغییر $w < m$ که یک تغییر آثایی تاریخی در زبان کردی است بکار می‌رود.

49. Kurdish

tuwāw mantaqa jām a-ka-n.
whole region addition ind-do.prs-3pl
'They gather **all** the people from that region.'

در زبان کردی $tār$ به عنوان یک *modifier* در معنای «متفاوت» «اضافی» و «دیگر» به کار می‌رود.

50. Kurdish

dāna=y tār tē, | har pāwšā- yk, | àw=īš
clf=e other ind.come.prs.3sg emph king-indf 3sg.dist=add
a-kož-ē
ind-kill.prs-3sg
'**Another** person comes, another king, he kills him too.'

اما وقتی این کلمه‌ی کردی در مقام قیدی بکار می‌رود یک افزونه واکه‌ای به عنوان پیشوند می‌گیرد و صورت $\bar{it}ār$ به دست می‌دهد.

51. Kurdish

itār nā-tānē bēt=a
no.longer neg-can.prs-3sg sbjv.come.prs.3sg=drct

am bar-aw|
dem.prox front-post
He can no longer come to this side.'

و در ادامه این کتاب توضیحات و مثال‌های بیشتری از *har* به معنای «each» یا «still»، *har-čī*، به معنای «every»، و *čən /čənnə* به معنای «how much or how many» و نیز در مورد *čək-ē* در کردی، *kuč-ē* در گورانی و *xančī* در نوآرامی ارائه و بحث شده است. در بخش ۶,۸ این کتاب ساخت‌های تفضیلی مثل *bīš* در نوآرامی و ساخت‌های معادل آن در گورانی و کردی سنج بررسی و مقایسه شده است. در بخش ۶,۹ کلمه ربطی *lā* و کاربردهای آن و در بخش ۶,۱۰ بحث اعداد توضیح داده شده است. از آن جمله گفته شده که در نوآرامی عدد بیشتر از یک با اسمی جمع ترکیب می‌شود، در گورانی نیز قضیه به همین شکل است اما در کردی بعد از هم‌های اعداد اسم مفرد است و نقشی در جمع و مفرد بودن اسم ندارند.

بخش ۶,۱۱ کتاب به اصطلاحات قیدی اختصاص یافته است. نویسندگان این کتاب گفته‌اند که در زبان نوآرامی چندین اسم بدون هیچ نشانه‌ی بارزی نقش قیدی دارند و این‌ها اکثراً قید زمان هستند.

52. JSNENA

'āna xa-yoma rēša sūsī=yē-lī.
i one-day on horse=cop.pst-obl.1sg
'One day I was on a horse.'

در کردی هم اوضاع به همین شیوه است.

53. Kurdish

šaw-ē kuř-akān=ī bā n̄ g kard.
night-indf boy-def.pl=3sg call do.pst
'One night he summoned his sons.'

در نوآرامی قیده‌های مکان *laxa* «این‌جا» و *doka* «آن‌جا» می‌توانند حرف اضافه‌ی مکانی *ga-* به معنای «در» بگیرند یعنی صورت‌های *ga-laxa*, *ga-doka* به دست بدهند.

در کردی هم قیده‌های *ēra* و *ōna* می‌توانند حرف اضافه‌ی مکانی *-l* به معنای «در» بگیرند و صورت‌های *l-ēra* و *l-ōna* به دست بدهند. در این‌جا و در آن‌جا.

گورانی نیز به همین صورت است یعنی قیده‌های *ēga* و *āga* را با حرف اضافه‌ی *-č* ترکیب کرده و صورت‌های *č-ēga* (یا صورت کوتاه شده‌ی آن *čē*) و *č-āga* (یا صورت کوتاه شده‌ی آن *čā*) را به وجود می‌آورد.

بررسی نحوی فعل در فصل هفتم کتاب گنجانده شده است. در این فصل به این مفاهیم اشاره شده است: شکل مجهول و معلوم، زمانهای فعلی و نقش‌های آن‌ها و بندهای مستقل و وابسته در ساخت‌های پیچیده، ساخت‌های شرطی، صورت‌های استمراری و ساده و نقل قول و آینده و کامل و ساخت‌های امری و

فعل‌های اسنادی و شکل‌های افعال ربطی در کردی سنندج -w و گورانی -b، (سنندج -w -a، گورانی -b -o)، ساخت‌های موصولی، سببی، شکل‌های لازم و متعدی افعال، مفعول مستقیم و غیرمستقیم، و متمم. این فصل نسبت به فصل‌های دیگر کتاب از لحاظ محتوا تقریباً از همه بیشتر است.

صورت‌های فعلی در زبان نوآرامی از نظر نقشی بسیار به صورت فعل‌های زبان‌های ایرانی که تماس داشته شبیه‌اند. هم در زبان نوآرامی و هم در زبان‌های ایرانی در تماس با آن (کردی سنندج و گورانی) شکل بن مضارع فعل اول اینکه نقش imperfective aspectual مثل استمراری و عادت را نشان می‌دهد، دوم اینکه نقش perfective aspectual مثل narrative present و performative را نشان می‌دهد، و سوم اینکه (future tense reference (deontic and predictive future) را نشان می‌دهد.

در نوآرامی شکل غیرواقعی بن مضارع فعل با نقش‌های زبان‌های ایرانی [در این‌جا کردی سنندجی و گورانی] مطابقت دارد و می‌تواند با جزء‌های این زبان‌های ایرانی *bā* و *baškam* ترکیب شود تا حالت گوینده-محور (*speaker-oriented modality*) و حالت عاطفی (*epistemic modality*) فعل را به ترتیب نشان دهد.

یک همگرایی چشمگیر بین زبان‌های نوآرامی و گورانی در حوزه‌ی نحو فعلی می‌تواند ترکیب بن فعلی زمان حال و جزء فعلی گذشته‌ساز باشد (*-wa* در نوآرامی و *-en* در گورانی) که برای نشان دادن صورت گذشته‌ی واقعی و مفهوم استمراری و عادت بکار می‌رود.

ترکیب پسوندهای گذشته‌ساز با صورت‌های حال غیرواقعی در بافت‌های زبان نوآرامی بیشتر از زبان‌های گورانی دیده می‌شود.

ساخت‌های مجهول در نوآرامی، گورانی و کردی سنندج بصورت مورفولوژیکی است و این ساخت در این سه زبان به فعل محدود می‌شود بطوری که فاعل فعل مجهول از عمل تأثیر می‌پذیرد و یک تغییر حالت واضح دارد.

در زبان نوآرامی تمیز *telic* بودن افعال به وسیله‌ی جزء آخر فعل (*-o*) نشان داده می‌شود که این مورفیم و نقش آن از گورانی گرفته شده است.

و باز در این کتاب می‌خوانیم که زبان نوآرامی نشانه‌ی مفعول افتراقی (*DOM*) را از گورانی قرض گرفته است. این نشانه در گورانی به ساخت‌های بن حال محدود شده است و با پسوندهای حالتی که به مفعول مستقیم می‌چسبد نشان داده می‌شوند. هم در نوآرامی و هم در گورانی این پسوندها به مفعول‌های دارای برجستگی بافتی و معین مانند مفعول انسانی معین یا مفعول غیر جاندار که در بافت برجسته شده است می‌چسبد.

در بخش ۷،۲ کتاب آمده که در زبان‌های گورانی و کردی سنندج صورت‌های بن حال افعال (*-present stem verbs*) حالت‌های واقعی (*realis*) و غیرواقعی (*irrealis*) را با پیشوندهای متفاوت متمایز می‌کنند.

یعنی در کردی برای حالت واقعی از (d)a- و در گورانی از m- استفاده می‌شود و m- در زبان گورانی بر خلاف (d)a- زبان کردی زیاد قاعده‌مند نیست و فقط بعضی از فعل‌ها این پیشوند را می‌گیرند. و برای حالت غیرواقعی در هر دو زبان کردی و گورانی از b- استفاده می‌شود که البته باز هم در گورانی زیاد قاعده‌مند نیست. پس می‌توان نتیجه گرفت که در زبان گورانی بسیاری از افعال برای جدا کردن حالت‌های واقعی از غیرواقعی صورت مشخصی ندارند.

البته در کردی هم جزء فعلی b- برای فعل‌های سبک (light) در گزاره‌های پیچیده دیده نمی‌شود. مثلاً

54. Kurdish

ka kār Ø-kāt

‘that he work’

در زبان‌های ایرانی سنندج حالت غیرواقعی برای بیان حالت گوینده محور (speaker-oriented modality) در جمله‌واره اصلی بکار می‌رود که جزء *bā* / اغلب در چنین ساخت‌هایی دیده می‌شود.

55. Gorani

a. *bā qəsa=y qaymī = t pay Ø-kar-ū.*

hort talk=e3 old=2sg for sbjv-do.prs-1sg

‘Let me tell you about the past.’

b. *bā ı gozā waš-ē Ø-kar-ū.*

hort dem.prox pot.pl.obl nice-pl sbjv-do.prs-1sg

‘Let me make these (into) nice pots.’

56. Kurdish of the Sanandaj region

bā lām kēfā rōž

hort in.dem.prox mountain-post day

na-ka-yn=aw.

neg.sbjv-do.prs-1pl=telic

‘Let us not stay the night in this mountain.’

فعل‌های اول شخص در این ساخت‌ها برای پند به خود (self-hortative) در موقعیت‌هایی که گوینده تنهاست بکار می‌رود.

در زبان نوآرامی این صورت گوینده-محور در اصطلاحات مربوط به دعا و نماز دیده می‌شود.

57. JSNENA

ʾəlha manīx -le.

God grant_rest.prs.3sg.m-obl.3sg.m

‘May God grant him rest.’

دعاهای مشابه در کردی و گورانی هم با صورت غیرواقعی وضعیتی مشابه دارند.

58. Kurdish

xwā ʾəfw=ī Ø-kā bāwk=əm

god pardon=3sg sbjv-do.prs.3sg father=1sg

‘My father, may God pardon him . . .’

59. Gorani

hasūrà=m, | xwā 'afwa=š Ø-kar-à' | wāč-ı . |
 father.in.law=1sg god pardon=3sg sbjv-do-imp.2sg say.prs-2sg
 'My father-in-law—God, may you pardon him—whom you talk about.'

در بعضی بافت‌ها صورت غیرواقعی یک فعل با بن حال در نوآرامی یک وجه عاطفی (epistemic) دارد که نشان می‌دهد گوینده کاملاً به واقعیت آنچه فعل بیان می‌کند متعهد نیست. این مورد بعد از جزء فعلی *baškam/baška* به معنی «شاید» بکار می‌رود.

60. JSNENA

- a. *baškam līšān-an la-hē-la qatē.*
 perhaps language-1pl neg-come.3sg.m-obl.3sg.f cut.prs.3sg.m
 'Perhaps our language will not become extinct.'
 b. *xa brāta ma 'arāfi wīl-ā-lū bā-ēf*
 one girl acquaintance do.pst-3sg.f-obl.3pl to-3sg.m
kē | baška xlūlā=č hol.
 rel perhaps wedding=add do.prs.3sg.m
 'They introduced a girl to him, whom he could perhaps marry.'

در زبان‌های کردی و گورانی هم با همین جزءهای فعلی *baškam/baška* ، *baškū* و *gās* به معنی «شاید» ترکیب می‌شوند تا وجه عاطفی (epistemic modality) را در فعل‌های غیرواقعی نشان دهند.

61. Gorani

baškom ī kənāčē=m-a | dā|=aš bə-lo
 perhaps dem.prox girl.obl.f=1sg-dem1 heart=3sg sbjv-go.prs.3sg
yū-ı = šā.
 one-obl.m=3pl
 'Perhaps my daughter would fall in love with one of them.'

62. Kurdish

- a. *baškam čək-ē kār Ø-kà-m.*
 perhaps bit-indf work sbjv-do.prs-1sg
 'Perhaps I'll work a little bit.'
 b. *gā s b-ē-m.*
 aux sbjv-come.prs-1sg
 'I may come.'

فصل هشتم کتاب در مورد بند است. بندهای مستقل و وابسته، موصولی، ساخت‌های ملکی، ترتیب کلمات، گروه‌های حرف اضافه‌ای، بندهای اسمی و راهکار منفی کردن بندها، جایگاه‌های قید با مقایسه هر سه زبان توضیح و تبیین شده است. در این فصل، همگرایی کامل در ترتیب کلمات بین گویش نوآرامی یهودیان سنندج و کردی و گورانی دیده می‌شود.

توالی بندها در فصل نهم گنجانده شده است. این که چطور بندها در این سه زبان در کنار هم قرار می‌گیرند. گویش نوآرامی یهودیان سنندج عنصر افزودنی =əč را از گورانی قرض گرفته است. کاربرد عناصر در گویش نوآرامی یهودیان سنندج شباهت مستقیمی به زبان‌های ایرانی منطقه نشان دارند. این کاربرد را می‌توان به‌طور کلی این گونه دسته‌بندی کرد که در آنها تمرکز این عنصر بر یک جزء بند گستره دارند و آنهایی که بر کل گزاره گستره دارند. هنگام در نظر گرفتن گستره روی یک جزء، این عنصر تمرکز خاص دارد و موضوع جدیدی را ایجاد می‌کند. هنگام در نظر گرفتن گستره روی یک گزاره، این عنصر در بندهای تحکم آمیز (thetic) و بندهای تصدیقی استفاده می‌شود. هم در زبان JSNENA و هم در زبان ایرانی، زمانی که بندهای اصلی با هم مرتبط می‌شوند، اغلب بدون هیچ عنصر ارتباطی با هم ترکیب می‌شوند (asyndetically). هم برای مجموعه‌ای از بندها که اعمال متوالی را بیان می‌کنند و هم برای آنهایی که اعمال یا موقعیت‌های همپوشانی زمانی را بیان می‌کنند، این موضوع صدق می‌کند. (۵۶،۷)

Sequential actions (اعمال متوالی)

Kurdish

1. gā-yək sar a-wř-ən, qasāwī a-kà-n
 cow-indf head ind-cut.prs-3pl butchering ind-do.prs-3pl
 a-rö wəlk-aka=y tēr-ët=aw.
 ind-go.prs.3sg kidney-def=3sg ind.bring.prs-3sg=telic
 'They slaughtered a cow and butchered it. She went and brought its kidney home.'

Gorani

2. ēma zər barēnmē lū-èn-mē ba zər
 1pl money take.prs-pstc-1pl go.prs-pstc-1pl with money
 Čīw sār-mē.
 thing buy.prs-1pl
 'We would take money, (and) go (to Iraq). We would buy stuff with money.'

JSNENA

3. dāak-ī hīy-a Tārān k-əmr-a
 mother-1sg come.pst-3sg.f pn ind-say.prs-3sg.f
 'My mother came to Tehran and said . . .'

کلمات ربطی wa و ū نیز برای ربط بندها استفاده می‌شوند.

فصل دهم کتاب در مورد بندهای ناهمپایه است. عنصرهای همپایه وابسته در موقعیت‌های تماس زبانی عمدتاً وام گرفته می‌شوند که طبیعتاً گویش نوآرامی یهودیان سنندج هم از این امر مستثنی نیست و بسیار از زبان‌های ایرانی تأثیر پذیرفته است. در این قسمت بندهای موصولی را در کردی سلیمانیه، سنندج و گورانی بررسی کرده و عنصرهایی مثل kē, ya, wa و ē را که در گویش نوآرامی یهودیان سنندج به کار

می‌روند را حاصل تماس زبانی با این زبان‌ها می‌دانند و البته اشاره می‌کنند که عنصر $k\bar{e}$ حاصل تماس کردی با فارسی است.

فصل یازدهم کتاب در مورد واژگان است. در این فصل وام‌واژه‌های گویش نوآرامی یهودیان سنندج که از کردی سنندجی و گورانی گرفته شده‌اند فهرست شده است. کلماتی که کردی و گورانی از فارسی وام گرفته و به زبان گویش نوآرامی یهودیان سنندج داده‌اند نیز مطالعه و مقایسه شده است.

فصل آخر کتاب نتیجه‌گیری است. در این فصل علاوه بر اینکه نگاهی به لایه‌های تماس زبانی شده است، نگاهی هم به زبان‌هایی دارد که در این کتاب به آنها به‌عنوان زبان‌های تأثیرگذار بر گویش نوآرامی یهودیان سنندج اطلاق می‌شود.

ضمیمه کتاب گنجینه‌ای پیکره‌ای است از زبان‌های مورد مطالعه در کتاب که برای مطالعات زبان‌شناسی زبان‌های ایرانی شمال غرب می‌تواند مفید باشد.